

# اسلام، مکتب انسان سازی

قسمت نهم

رسد به جهان و مجموعه هستی. قرآن می فرماید:  
«وما اوتینکم من العلم الا قلیلاً».

(اسراء- ۸۵)

جز اندکی از دانش به بشر نرسیده است.  
پس در تعقل و اندیشه در هر چیز و نتیجه گیری و تصمیم روی آن به ویژه در امور مهم و سرنوشت ساز و مربوط به کل زندگی و سعادت دیر پا نباید شتاب کرد و بی گذار به آب زد که سبیل خطا انسان را با خود می برد. نه به آسانی می توان چیزی را انکار کرد و نه به سادگی می توان چیزی را پذیرفت که گاهی یک پذیرفتن بی دلیل یا یک انکار بیجا، ممکن است همه چیز را در سرنوشت انسان تغییر دهد. قرآن در مورد نفی شتابزدگی در تصدیق می فرماید:  
«الم یؤخذ علیهم میناق الکتاب ان لا یقولوا علی الله الا الحق».

(اعراف- ۱۶۹)

آیا از آنان در کتاب (فطرت یا کثاب تشریح) پیمان گرفته نشد که غیر از آنچه حق است درباره خدا قائل نشوند؟! و در مورد شتابزدگی در انکار می فرماید:  
«... بل کذبوا بآلام یحیطوا بعلمه».

(یونس- ۳۹)

بلکه چیزی را که به علم آن احاطه نداشتند تکذیب و انکار کردند.

# موانع عقلی و انحراف تشکیلی



## ۴- تقلید کورکورانه و سنت گرایی:

یکی از عواملی که همواره استقلال فکری و عقلی را از انسان ها سلب کرده است، نفوذ حکومت سنتهای پیشینیان و عادات اجتماعی و تلقینات محیط بوده است و تقریباً تمام انبیاء در هنگام دعوت مردم به سوی حق و استقلال فکری با این مشکل روبرو بوده اند و آیات زیادی در قرآن ضمن نقل برخورد منفی این گروه که عقل آنها اسیر سنتهای غلط بوده آن را نفی و مورد نکوهش قرار داده است.

«واذا قیل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما الفینا علیه آباءنا اولوکان آباءهم لا یعقلون شیئاً ولا یهتدون».

(بقره- ۱۷۰)

و آنگاه که به آنان گفته شود که آنچه را خداوند فرود فرستاده پیروی کنید می گویند: نه، ما همان سنتها و آئینی که پدرانمان را بر آن یافته ایم، پیروی می کنیم و گرچه پدرانمان چیزی نفهمیده و هدایت نیافته بودند. باز هم از آنها پیروی می کنند؟! -



## ۵- تحت تأثیر اکثریت قرار گرفتن:

انسان معمولاً تحت تأثیر هیمنه اکثریت و راه و روش آنها بدون آنکه خود مستقلاً به تجزیه و تحلیل مسائل بپردازد به راه آنها کشیده می شود و استقلال فکری خویش را از دست می دهد. در حالی که اکثر، اکثر اکثریتها بر باطل و گمراهی هستند. یعنی در مجموع تاریخ بشر و مجموعه جمعیت بشر در هر زمان اکثراً انسانها دچار گمراهی ناشی از پیروی گمان، هواهای نفسانی و عوامل دیگر بوده و هستند و انسان گاهی بدون توجه به این که صرف پیروی اکثریت از



## ۳- شتاب در نتیجه گیری:

انسان همواره در معرض غرور علمی است و چه بسا انسانهایی که هر چه از دانش کمتری برخوردارند، گمان می کنند بسیار می دانند و دچار جهل مرکبند، در حالی که هر چه انسان مراتب علم و آگاهی را بیاماید بیشتر به جهل و نادانی و گستردگی مجهولات خود پی می برد، حتی در مورد خود و جنبه های جسمانی تا چه رسد به جنبه های روحی خویش که جزء کوچکی از هستی است و تا چه

یک شیوه‌دلیل درستی آن راه نیست و اکثریت نیز ممکن است بلکه محقق است که به راه اشتباه می‌روند همچون کسی بی مقدار و بی اراده خود را به سیلابی می‌سپارد که راهی نادرست را می‌پیماید.

در قرآن مجید اکثریتها به لایعقلون، لایشعرون، لایؤمنون، لایعلمون و... توصیف شده‌اند و پیروی از یک راه به صرف اینکه راه اکثریت است مورد نهی قرار گرفته است. از جمله در همان آیه‌ای که اکثریت مردم زمین را به پیروی از ظن معرفی فرموده و در مورد نهی از اتکاء به ظن نقل کردیم، پیروی از این اکثریت را موجب ضلالت دانسته است. پس در آن آیه، هم پیروی از گمان چه برای فرد و چه برای جامعه مورد نهی قرار گرفته است و هم تبعیت از اکثریت نهی شده، چون ممکن است اکثریت نیز دچار اشتباه و پیروی از گمان باشند. این در حالی است که شیاطین از همین نقطه ضعف معمولاً برای گمراه کردن انسانها بهره‌گیری می‌کنند و با شعار غلط «خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو» عقل و استقلال فکری را از مردم می‌گیرند و آنها را در ورطه فساد و تباهی می‌فلتاندند. ولی اسلام با برخورد قاطعانه با این نقطه ضعف و افشای آن انسانها را به تفکر مستقل دعوت و از وحشت مقابله با اکثریت گمراه و پیروی راه حق که رهروان کمتری دارد برحذر می‌دارد:

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه میفرماید:

«لا تستوحشوا فی طریق الهدی لقله اهل».

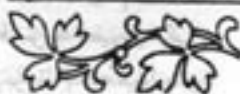
(نهج البلاغه، خطبه ۲۰۱)

البته باید به این نکته نیز توجه داشت که انسانها در مجموع اکثریت را باطل هستند پس ممکن است یک جامعه محدود مثل مجموعه یک خانواده و یا یک شهر یا یک کشور در ضمن آن اکثریت نباشد. مثل اکثریت مردم ایران و همچنین می‌توان گفت که خود مفهوم اکثریتها نیز مشمول همین قاعده است یعنی تمام اکثریتها بر باطل نیستند بلکه همانگونه که قبلاً اشاره کردیم اکثریتها بر باطل هستند، پس ممکن است در بعضی موارد اکثریتی را پیدا کنیم که بر باطل نباشد، باز مثل اکثریت مردم ایران.

قرآن مجید همچنین در قسمتهای تاریخی خود از انسانهای برجسته‌ای یاد کرده که علیرغم گمراهی اکثریت بلکه تمام مردم ديار خود یا اندیشه و تعقل مستقل با انتخاب راه خود پرداخته و راه به سوی خدا یافته‌اند، همچون اصحاب كهف که راه خود را از راه قوم خود که مشرک بودند جدا کردند و... و به خدا ایمان آوردند و خداوند نیز بر هدایت آنان افزود: «انهم فتية آمنوا بربهم فزادناهم هدى».

(سوره كهف- ۱۳)

آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند پس بر هدایتشان افزودیم.



## ۶- شخصیت گرایی و قهرمان پرستی:

انسان بر اساس فطرت خداجویی و خدایپرستی همواره در جستجوی معبود و در صدد پرستش و اطاعت از اوست لکن آنگاه که هنوز این فطرت شکوفا نشده و به معبود یگانه و پرستش صحیح او دست نیافته است ناخود آگاه امور دیگری را به خطا و در گمان خویش معبود گونه می‌پرستد و به او گرایش دارد. گرایش به شخصیتها و قهرمانهای افسانه‌ای و تاریخی با معاصر با

ویژگیهای موهوم یا واقعی انسان را تحت تأثیر قرار داده و او را چشم بسته به پیروی و تقلید از آنها سوق می‌دهد.

ولی باید دید اگر یک انسانی مثلاً در قدرت بازو و بدن یا در فلان دانش و فن و یا در ثروتمندی و ریاست و سیاست و امثال این امور بر سایرین پیشی گرفت و به اوج قله شهرت رسید این مطلب آیا میتواند دلیل درستی مطلق افکار آن قهرمان و شخصیت باشد؟

قرآن کریم تقلید کورکورانه از بزرگان و شخصیتها را یکی دیگر از عوامل گمراهی و انحراف فکری انسانها معرفی کرده و از زبان کسانی که تحت تأثیر این عامل، گمراه می‌شوند نقل می‌فرماید که در روز قیامت چنین می‌گویند:

«ربنا انا اطعنا سادتنا وکبرائنا فاضلونا السیلاً».

پروردگارا ما از سالاران و بزرگانمان اطاعت کردیم و در نتیجه آنان ما را گمراه کردند.

البته این مسأله در مورد انسانهایی که شخصیت آنها در پرتو بندگی خدا و سیرایی از زلال هدایت او شکل گرفته و به کمال معنوی، و رشد علمی و عقلی دست یافته‌اند و دیگران نیز از ارشادات آنها در معارف و راهنماییهایشان در سایر مسائل استفاده می‌کنند صادق نیست و در خصوص تقلید آنها در مسائل فرعی فقهی نه در اصول- از مجتهد جامع الشرائط و پیروی از او به عنوان ولی فقیه در سایر شؤون اجتماعی و سیاسی و... و به طریق اولی اطاعت از ائمه معصومین علیهم السلام و پیغمبر اکرم «ص» هر چه می‌گویند متخذ از وحی است همه در طول اطاعت از خدا است و در راستای اصولی است که عقل آن را پذیرفته است و فعلاً جای تفصیل آن نیست



## روش راهزنان راه انسانیت

در حالی که اسلام با تمام موانع رشد عقل و همه موجبات تضعیف و زوال خرد و تمام عوامل بازدارنده از تعقل صحیح به شدت به مبارزه برخاسته است تا راه درست را برای باروری عقل و اندیشه انسانها بگشاید، مکاتب مادی و سوداگران باطل و آنها که راهزنان راه انسانیت و غارتگران هستی انسانها هستند و چراغ عقل و روشنی تعقل را بزرگترین مانع و سد راه خود در استعباد و استثمار انسانها می‌بینند با الهام از شیطان درست در جهت عکس مکتب وحی حرکت کرده و در همیشه تاریخ سعی کرده‌اند به هر طریق ممکن و قبل از هر چیز چراغ عقل و مایه روشنی مردم را خاموش کنند و کاربرد آن را به انحراف کشند تا در پرده تاریکی بی خردی و ظلمت جهل مردم هم به اهداف پلید و دزدانه خود دست یابند و هم چهره رسوای خویش را پنهان سازند.

آنها در این راه تمام موانع رشد عقل و همه موجبات تضعیف و زوال عقل را تقویت و عوامل بازدارنده از تعقل صحیح را دامن می‌زنند و بدین منظور از باب نمونه:

- ۱- در زمینه اعتقادات و باورها، جامعه را به سوی امور موهوم، بی پایه، سطحی و خرافی سوق می‌دهند و بدینوسیله سعی می‌کنند تا چهره حق را در حجاب پندارهای باطل و عقل مردم در پرده اوها م بیوشانند.

- ۲- با اشاعه فرهنگ فحشاء و بی بندوباری و پاره کردن حجاب عفت در کوچه و بازار، مدرسه و سینما، مطبوعات و تلویزیون و تمام صحنه‌های اجتماع و برپائی مراکز فحشاء، سعی در شعله‌ور ساختن آتش شهوت رانی و طوفانی کردن هوس پرستی در جامعه به ویژه نسل جوان می‌کنند تا بدینوسیله چراغ عقل را در

پنجه در صفحه ۵۰

گردید هوس خاموش و ریشه تعقل صحیح را در آتش شهوت بسوزانند. و برای دست‌یابی به همین هدف شیطانی است که از انواع مسکرات و لهو و لعبها و مواد مخدر نیز بهره‌گیری کرده و با آلوده کردن جامعه به آنها و ایجاد انواع منتهیات، از مستی شراب گرفته تا مستی مال پرستی و شکم‌بارگی و... می‌کوشند تا عقل و اندیشه مردم را به تباهی، پیچی و زوال بکشانند.

۳- تا صدم شمردن و بزرگ‌نمایی تاریخ باستان و افتخار به استخوانهای پوسیده و آثار مخروبه پیشینیان و برانگیختن احساس تعصب نسبت به آنها، سعی می‌کنند تقلید کورکورانه از مستهای خرافی و پندارهای پوچ آنان را جایگزین تعقل و عبرت از موجبات انحطاط و سقوط و نقاط ضعف آنها کنند.

همانگونه که به جای شناساندن عوامل پیشرفت علمی و صنعتی و ابعاد مثبت جهان غرب در عصر حاضر و برانگیختن حساسیتها و استعدادهای ملت‌های عقب‌مانده برای رسیدن به کاروان علم و صنعت، سعی می‌کنند با القاء روحیه خودباختگی و کورکردن چشمه اندیشه ملتها در برابر زرق و برق مآثری دنیای چشم‌آینها و قتل کردن دوربینها و ذره‌بینها روی ابعاد منفی و ضد ارزشی و پوچ آنان، مردم را چشم بسته به تقلید از آنها و حتی رقابت با آنها در قضا و فساد و بی بندوباری سوق دهند.

۴- با القاء فرهنگ غلط: «خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو» و بهره‌گیری از هیمنه اکثریتها که عموماً بر باطل هستند و تحقیر و رسوا جلوه دادن کسانی که برخلاف میل فساد و سیرا اکثریت حرکت می‌کنند، سعی دارند قدرت تفکر و اندیشه آزاد را برای یافتن راه صحیح زندگی و سیر در آن راه مردم سلب کنند.

۵- با قهرمان کردن و ست‌ساختن از اندیشه‌های فاسد در میدانهای قلوب، سیاست هنرپیشگی و... و تشدید حالت شخصیت‌گرایی و قهرمان پرستی در جامعه می‌کوشند چشم دل و چراغ خرد مردم را می‌سو کنند و آنان را به اثرپذیری و تقلید بی‌منطق از آنان سوق دهند.

بدیهی است که اگر در جامعه‌ای قهرمان محبوب، بزرگداشت و ستایش و ستایش و ستایش قهرمان‌گرایی مردم را زینت و رفتارهای زشت و فحشه‌انگیز او اشاعه کنند یا قهرمان آنان مثلاً طفل نیزه‌ساله‌ای باشد که نارنجک به کمر می‌بندد و زیر تانک دشمن می‌رود، تفاوت از کجا است تا به کجا! آن یک کشتی‌ساز عاقل و ذی‌دری دارد و این یک ایثار و قداکاری در راه معنویت و پیوند با مبدأ کمال را برمی‌انگیزاند و انسان را به آندیشیدن در خود و راهی که بایست رود وامی‌دارد!

کوزاه سخن این که دشمنان بشریت به هر وسیله‌ای که بتوانند اندیشه و خرد ملت‌هایی تحت سلطه خویش را تباه کنند دست نمی‌پازند که نمونه‌های عینی این روش خائنانه و جنایتکارانه را در رژیم منحط ستمشاهی و هم‌اکنون در عموم کشورهای اسلامی و غیر اسلامی که تحت تسلط حاکمیت‌های شیطانی هستند شاهد بوده هستیم و مبروری گذرا بر تاریخ دهه‌های اخیر رژیم پهلوی و آثار مراکز فحشاء و مشروب‌فروشیها و کباب‌ها و فیلمها و وسائل ارتباط جمعی چشمت‌های دوزخ‌رو و ناصه‌ساله و تغییر تاریخ هجری به شاهنشاهی و... و اشاعه غریزگی و قهرمان‌نمایی که از رقاصه‌ها و فاجحه‌ها می‌ساختند و هزاران هزار امثال این امور، اثبات و درستی مطلب ما را روشن‌تر می‌کند.

ادامه دارد

اعمال، بزرگترین عاملی که می‌تواند دشمن را از فکر تجاوز متصرف کند تبدیل شعار مقدس ارتش بیست میلیون بسیج به بسیج همه‌جانبه فکری و مانی و عملی برای آموزش و تشکل درست بیست میلیون مجاهد رزم آور و معجزه‌اندیشه الهی و سلاح نظامی است. مسلماً ملتی که مجاهدانندانه عزیزترین سرمایه‌های انسانی و مادی خود را در پاسداری از حقیقت‌دین و اطاعت از آن امام بزرگوار و استقلال همین اسلامی از سلطه اجانب تقدیم داشته و رنگاهای دوران انقلاب و جنگ را به خاطر خدا و برای حفظ عظمت اسلام تحمل کرده است، خطر سقوط در دام دوا بر قدرت را از نظر دور نخواهد داشت و تکلیفی را بر گروهبانی‌های فراوان تشکیل ارتش بیست میلیون ندانسته و سستی نخواهد کرد و سبحان و سبح مستضعفان به پیروی از امام خویش با همه وجود از تمامی مسئولان و متصدیان عالی‌قدر نظام مصرانه خواهد خواست که با درک کامل موقعیت حساس تاریخی و رسالت انقلابی و خطرات ناشی از توطئه ابرقدرتها و ابادی آنان این رهنمود مهم امام را وجهه همت قرار دهند و توان خود را در تقویت نهاد مقدس بسیج مستضعفان و تجهیزات رزمی بسیج به کار گیرند که عزت و شرف و استقلال همین اسلامی و امکان دفاع از دست‌آوردهای انقلاب اسلامی در گرو برداشتن دانه به بسیج و تقویت همه‌جانبه آن در عمل است و بالاخره تقویت بنیه نظامی و توان رزمی در برابر دشمنان میسرین اصل با سازایی و پایه‌سازندگی به حساب آورند.

اعمال، پیام جوانپختن شما با رسالت فرزندان سبقت را سنگین تر کرد و اینک این مدرسه عشق و جوان‌های عاشق سبحان این بهار وصل و رسم خرمی بخش بطن و صفا، این دل‌هایی با یک رزندگان و محبت‌های روشنی آخرین نور این شب‌های مطهر با یک با خستگی و زخم دانه فرزندان دهر کجا و جای جای وطن اسلامی و هر زمان فریم دانه تراه عشق که خدا خدا یا تا انقلاب مهدی (عج) ... حسین را نگیندار.

مسئول بسیج مستضعفان فدوی محمد علی رحمانی

۹۶/۹/۸

### فرم تقاضای اشتراک



خواهشمند است وجه اشتراک مجله پاسداز اسلام را به حساب جاری ۹۰۰ ریال بانک ملت شعبه میدان شهدا قم و از یو پی سی بانک‌های همراه آدرس و مشخصات کامل خود به دفتر مجله پاسداز اسلام (قم) صندوق پستی ۷۷۷ ارسال فرمائید.

۱- بهای اشتراک یک سال ۱۲۰۰ ریال، دو سال ۲۴۰۰ ریال است.

۲- مجله اشتراک را می‌توانید از طریق تمام بانک‌های کشور به حساب جاری فوق واریز نمایید.

۳- در صورتیکه به بانک دسترسی نداشته‌اید وجه اشتراک را توسط اداره پست بینه نمایید.

۴- احتیاج به بریدن این فرم نیست و کافی است مشخصات خود را شرح زیر در نامه‌ای جداگانه نوشته و ارسال نمایید.

۵- در صورت واریز وجه به بانک، حتماً فیش بانکی ارسال شود.

اینجانب نام خانوادگی

شهرستان آدرس

مایل به مدت سال از شماره با مجله پاسداز اسلام

مشترک شوم لذا مبلغ ریال توسط بانک

حساب‌جاری فوق واریز فیش بانکی را به پیوست ارسال می‌دارم.

لطفاً در موقع تمدید، شماره اشتراک را قید فرمائید.